

((یادی از مبارزات کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه در تابستان سال ۱۳۶۶))

پویا محمدی

بیست هفتم شهریورماه هشتاد و شش

قریب نیم قرن است که نسل به نسل از کارگران نیشکر هفت تپه در استان خوزستان طی سالیان متمادی مبارزه، جدال و کشمکش هرروزه را با کارفرمایان و صاحبان کارخانه به پیش برده اند.

اعتراض به شرایط سخت کار و محرومیت های طاقت فرسا و بی حقوقی های بسیار این کارخانه را به میدان مبارزه و تلاش بی وقفه کارگران آن در مقابل سرمایه داران و اقدامات سرکوبگرانه دولت حامیشان تبدیل نموده است.

در اینجا نیز چرخ تولید و تامین سود هرچه بیشتر برای سرمایه داران به قیمت تباهی و فلاکت روزافزون دهها هزار کارگر به گردش در آمده است. سالهاست که در شرکت نیشکر هفت تپه فریاد اعتراض کارگران به گوش می رسد.

در طی سالیان اخیر و در نتیجه سیاستهای ضد کارگری دولت اسلامی به ویژه خصوصی سازی های وسیع و پی در پی و واردات بی رویه شکر، این شرکت در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است.

ماههاست که دستمزد کارگران پرداخت نمیشود. کمترین حقوق و مزایای شغلی برایشان برسمیت شناخته نشده است، و فاقد هرگونه خدمات ویژه در این باره هستند. زندگی بخورنمیر و تامین معاش هزاران کارگر همراه با خانواده هایشان هرچه بیشتر به ورطه فقر و سیه روزی کشیده است.

طی ۱۵ ماه گذشته حداقل ۱۳ بار کارگران محروم نیشکر هفت تپه برای احقاق مطالبات خود دست به اعتصاب و تحصن زده اند، هر بار نیز با کارفرما و مقامات دولتی در استان خوزستان مذاکره شده و در این میان به غیر از وعده و وعید از سوی مسئولین رژیم و انتظار هرچه بیشتر چیزی نصیب کارگران نشده است. کم نبوده مواردی که تجمعات اعتراضی کارگران با هجوم نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی مواجه شده و کارگران شریف و حق طلب این شرکت مورد ضرب و شتم شدید و دستگیری و بازداشت گسترده قرار گرفته اند.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با توجه به تجارب طولانی و سابقه مبارزات و اعتراضات خود تنها و تنها با اتکا به قدرت همبسته و اتحاد طبقاتی و نیز اصرار بر مطالبات و حقوق حقه خود میتوانند در مقابل تعرضات اخیر سرمایه به کار و زندگی و معیشت خود ایستادگی کرده و آنان را به عقب نشینی وادارند.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در اوایل تیرماه سال ۱۳۶۶، یکی از مهمترین حرکات کارگران طی آن سالها در جنوب ایران بود. کارگران نیشکر در اعتصاب و تحصن يك هفته ای خود علیه کار در شرایط جنگی، دریافت حقوق و مزایای ایام تعطیل کارخانه به خاطر وضعیت جنگی، برکناری مدیریت و چندین مطالبه و خواست رفاهی دیگر به مبارزه برخاستند. خبر این اعتصاب مهم کارگری در میان کارگران جنوب کشور پخش شد و موجی از همبستگی

کارگری در رابطه با این اعتصاب را بر انگیزت. آنچه که در کارخانه نورد اهواز و در کارخانه کشت و صنعت کارون مدیریت این دو کارخانه برای جلوگیری از حرکت مشابه کارگران به تگ و تا افتادند. همزمان با این اعتصاب در کارخانه نورد اهواز حواله از تولید در میان کارگران پخش شد و در کشت و صنعت کارون، پرداخت دستمزد کارگران يك روز جلو انداخته شد. مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه خود، مورد هجوم نیروهای سرکوب رژیم اسلامی قرار گرفت. با هجوم نیروهای سرکوبگر به کارخانه دهها تن از کارگران دستگیر و بقیه نیز به زور اسلحه و تهدید به اخراج به سر کار بازگردانده شدند. مبارزه کارگران از طرف دیگر به علت حملات هوایی و بمبارانهای مکرر کارخانه، تحت شعاع جنایات جنگ ایران و عراق قرار گرفته بود.

اواخر خرداد ۱۳۶۶ مدیریت "پاداش برداشت محصول" را که بابت برداشت سریع نیشکرو عده داده بود به این ترتیب پرداخت کرد که مبالغی معادل دوماه حقوق را به مسئولین و سرپرستان کارخانه اختصاص داد و به کارگران که شرایط کارشان شاق و غیر قابل تحمل بود تنها معادل ۱۵ روز حقوق پرداخت کرد.

در آن ایام کارخانه نیشکر هفت تپه حدود ۷ هزار کارگر داشت که در قسمتهای مختلف تولید، تعمیرات و مهندسی، انبارها و مزارع نیشکر به کار مشغول بودند. در مورد شرایط کار در يك قسمت این واحد کشت و صنعت یعنی مزارع کفایست اشاره کرد که کار در آن مزارع که هزاران هکتار زمین را در بر میگرفت، در زیر آفتاب سوزان خوزستان و شرجی و گرمای طاقت فرسا بسیار شاق بود. ارتفاع نیشکر در مزارع به دو تا سه متر می رسید. در میان این مزارع دم کرده و مرطوب حدود سه هزار آبیاری روزانه هشت تا ده ساعت کار میکردند. این آبیاریها در استخدام کارخانه بودند و اکثر آنها بعد از ده تا دوازده سال سابقه کار، رسمی نشده و به طور قراردادی کار میکردند. (مزارع پر بود از مار و گراز و انواع جانوران دیگر که این نیز خود جان کارگران را تهدید میکرد).

در فصل برداشت نیشکر که معمولا از مهر ماه شروع میشد، نخست مزرعه را به آتش میکشیدند تا برگهای نیشکر بسوزد و فقط نی ها باقی بمانند، سپس کار شاق روی آنها با ماشین و با دست فرا میرسید. برای درو از کارگران فصلی افغانی و به صورت کنترات استفاده میشد. زیرا کار درو با دست آنقدر سخت و طاقت فرسا بود که کسی جز محرومترین بخشهای طبقه کارگر را نمیشد به انجام آن واداشت. کار برداشت و درو چند ماه طول میکشید. برای برداشت سریع نیشکر کارگران در دو شیفت کار میکردند. يك شیفت از هفت صبح تا سه بعد از ظهر و هفته بعد از ساعت یازده تا هفت بعد از ظهر. طی این مدت هشت ساعت کار، به کارگران غذا هم داده نمیشد، و آنها مجبور بودند خود غذایشان را تهیه کنند. دستمزدی که به ازای این کار شاق به کارگران قدیمی پرداخت میشد، مبالغی در حدود صد و شصت تومان و به کارگران جدید مبلغی حدود صد و نه تومان بود.

علاوه بر شرایط شاقی که کارگران در آن مشغول به کار بودند، و به گوشه هایی از آن اشاره شد، کارخانه نیشکر هفت تپه نیز دائما در معرض بمبارانهای هوایی قرار داشت. سال ۱۳۶۵ کارخانه هدف بمباران قرار گرفت که بر اثر آن تعدادی از کارگران جان خود را از دست دادند و کارخانه هم به مدت ۵ ماه تعطیل شد. اوایل سال ۱۳۶۶ مدیریت از ترس بمبارانها و حملات هوایی، به کارگران وعده داد که در ازای برداشت سریع محصول نیشکر مبالغی به عنوان پاداش به آنها پرداخت خواهد کرد. اواخر خرداد ماه مدیریت پاداشی را که وعده داده بود به این ترتیب پرداخت کرد:

به مسئولین و سرپرستان پاداشی معادل دو ماه حقوق تعلق گرفت و به کارگران که در برداشت سریع محصول فشار بسیاری را متحمل شده بودند، پاداش ناچیزی معادل دستمزه ۱۵ روز پرداخت گردید. کارگران دست به اعتراض زدند و خواهان دریافت پاداش یکسان شدند.

اعتراضات کارگران گسترش یافت و در ادامه خود، کارگران علاوه بر خواست فوق دیگر مطالبات و خواسته‌های رفاهی خود را تنظیم کردند، بر در و دیوار کارخانه نصب کردند، متحد و یکپارچه دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه متحصن شدند. برخی از مطالبات و خواسته‌هایی که کارگران طرح کردند از این قرار بود:

۱- پرداخت یکسان " پاداش برداشت محصول " به کارگران و سرپرستان و مسئولین.

۲- به رسمیت شناختن محل کارخانه به عنوان منطقه جنگی و پرداخت حق ویژه منطقه جنگی به کارگران.

۳- پرداخت به موقع دستمزدها.

۴- افزایش دستمزدها.

۵- حق اولاد.

۶- حق مسکن.

۷- پرداخت حقوقهای معوقه سال گذشته بابت تعطیلی کارخانه.

۸- برکناری مدیریت به خاطر سوءاستفاده.

۹- رسمی کردن کارگران قراردادی و قرار دادی کردن کارگران روزمزد (به کارگران روز مزد، دستمزدی بابت روزهای تعطیل داده نمی شد).

۱۰-

اعتصاب کارگران که از اوایل تیر ماه آغاز شد به مدت يك هفته ادامه داشت. خبر اعتصاب کارگران در سرتاسر منطقه پیچید. برای مقابله با اعتصاب و تحصن کارگران نیشکر هفت تپه، تمام مقامات رژیم از امام جمعه و فرماندار به تك و تا افتادند. بالاخره بعد از يك هفته فرماندار دزفول در جمع کارگران اعتصابی حاضر شد و به آنها وعده داد که به تمامی خواسته‌های آنها بجز خواست برکناری مدیریت رسیدگی خواهد کرد. کارگران متحدا اعلام کردند که تا به دست آوردن تمامی خواسته‌هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد. در این فاصله رژیم اسلامی از پاسداران چند پادگان آموزشی هم برای سرکوب کارگران استفاده کرد که در تمام موارد با شکست روبرو شد. زیرا خواسته‌های کارگران سریع و روشن و به حق بود و همه کسانی که با توضیح کارگران روبرو میشدند، به ناچار مجاب شده و برمی گشتند.

در يك مورد وقتی ۲۵۰ پاسدار يك پادگان آموزشی برای سرکوب کارگران به محوطه کارخانه رفتند، کارگران به طرف جبهه های جنگ اشاره کردند و به آنها گفتند:

"اینجا میدان جنگ نیست، خانه و محل کار کارگر است!"

بعد از آنکه تمامی تلاشها برای بازگرداند کارگران به سر کار بی نتیجه ماند، رژیم با يك اقدام حساب شده و از پیش طرح ریزی شده با چند دستگاه ماشین، نیروهایی را از نواحی دور افتاده مثل خرم آباد به محل کارخانه اعزام کرد با این عنوان که تعدادی "ضد انقلاب" در میان کارگران نفوذ کرده اند و مانع از کار کردن دیگر کارگران شده اند و

باید هر طور شده کارگران بر سرکار بازگردانده شوند، نیروهای سرکوبگر به محل کارخانه هجوم بردند، دهها نفر از کارگران را که قبلا با همکاری عناصر انجمن اسلامی کارخانه کاغذ سازی پارس شناسایی شده بودند، دستگیر کردند و با تهدید دیگر کارگران به تیراندازی و اخراج آنها را وادار کردند تا بر سر کار بازگردند. کارگران دستگیر شده را نیز به زندان بردند و بعد از چندین روز با این اخطار که در صورت وقوع هر اتفاقی در کارخانه آنها نخستین کسانی خواهند بود که اخراج و بازداشت خواهند شد، آنها را آزاد کردند.

به دنبال بازگشت کارگران بر سر کار، مبارزه کارگران تحت شعاع جنایات جنگ ایران و عراق و بمبارانها قرار گرفت. در يك مورد روز ۲۶ مرداد سال ۱۳۶۶ کارخانه کاغذ سازی پارس هفت تپه (در نزدیکی کارخانه نیشکر) درست در لحظه خروج کارگران، مورد حمله هوایی قرار گرفت. با شروع بمباران، کارگران از سرویسها بیرون آمدند و خود را به سنگر جلوی درب کارخانه رساندند. در همین لحظه هواپیماهای عراقی خود سنگر را که چیزی بیش از مشتی خاک تلبار شده نبود، هدف قرار دادند. دهها تن از کارگران در خون خود غلطیده و قطعه قطعه شدند و چندین نفر دیگر از کارگران در بیرون از سنگر جان خود را از دست دادند. همچنین روز ۳۰ مرداد کارخانه نیشکر و کاغذ سازی پارس یکبار دیگر مورد هجوم بمبارانهای هوایی قرار گرفت که طی آن جان چندین کارگر دیگر قربانی جنگ ارتجاعی و خانمان سوز دولتهای سرکوبگر و حافظ سرمایه در ایران و عراق شد. در نتیجه بمبارانها، قسمت اصلی و مهم این دو کارخانه نابود شد و تا مدتها تولید متوقف گردید.

پویا محمدی

۱۳۸۶/۶/۲۵